

## در این شماره

- نامه اعتراض ۳۸۵ نفر به حصر منتظری ص ۲
- حرکت شبه کودتا برای ساقط کردن خاتمی ص ۲
- تخلف کلان مالی در مدیریت سابق ارشاد ص ۲
- تبصره ۳۵ لایحه بودجه و حقوق کارگران ص ۴
- «مبارزه با تهاجم فرهنگی» ص ۵
- «اعدام باید گردد» - دو کلمه حرف حساب ص ۵
- پیام های احزاب کارگری و کمونیستی ص ۸
- استراق سمع رسمی شد ص ۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

# هشدار! ارتجاع و استبداد در تدارک سرکوب جنبش توده ای است!!

در صفحه ۳

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۲۹، دوره هشتم  
سال چهاردهم، ۲۵ فروردین ۱۳۷۷

## «کودتا»ی جدید یلتسین در روسیه

در صفحه ۷

## برخی عکس العمل ها و موضع گیری ها در مورد شرایط بحرانی رژیم

• نوری - وزیر کشور:

«خداش در حشیت شخصیتی مانند آقای کرباسچی آثار و عوارضی دارد که مرتکبان آن، خواسته یا ناخواسته باید مسؤولیت های آن را بپذیرند... بنده تاکنون به احترام شخص رئیس جمهور در ماجرای شهرداری ها سکوت کرده ام».

• غفوری فرد - نماینده مجلس:

«گروه های سیاسی عاقل تر از آن هستند که بگذارند دستگیری کرباسچی میان آنها تنش ایجاد کند...».

• محمد رضا باهنر - نماینده مجلس:

«اگر ریشه این مسأله به انتخابات برسد اهمیت آن دو برابر خواهد شد چون جرم بزرگتری مرتکب شده اند...».

• جلیل اکبری - شهردار منطقه ۸ تهران:

«پیام روشن این ماجرا برای دولت خاتمی این است که اداره جامعه توسط دولت آنگونه که قبلاً تصور می شد به سهولت و راحتی پیش نخواهد رفت و جناح راست با این اقدام پشتوانه دولت را سست خواهد کرد... عادلانه ترین فرض آن است که اگر قرار باشد شهردار تهران حذف شود باید برای آقای یزدی (رئیس قوه قضاییه) هم مزاوم تودیع برگزار شود...».

• حجتی کرمانی:

«واقعاً این حادثه تأسف آور است... اگر اتهام اختلاس میلیاردری صحیح باشد دیگر کار ما زار است چون ایشان یکی از مدیران طراز اول جمهوری اسلامی در دوده انقلاب بوده... و این یک آبروریزی... برای دولت آقای هاشمی و شخص آقای هاشمی رفسنجانی است... دوم اینکه ماجرا یک امر سیاسی باشد... در روزهای اول سال جدید در شرایطی که دولت آقای خاتمی و مردم با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند با دستگیری یک مدیر موفق و خوب دولت

ادامه در صفحه ۲

# بحرانی که پایه های رژیم «ولایت فقیه» را می لرزاند!

- دیدار فوق العاده خامنه ای، رفسنجانی، خاتمی، ناطق نوری و یزدی برای بررسی بحران!
- جناح راست: اگر ریشه این مسایل به انتخابات برسد اهمیت آن دو برابر خواهد شد!
- روزنامه ها: دولت خاتمی به طور قطع اکنون با یک شوک و بحران مواجه شده است!

کشور بود که دو روز پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد که سران ارتجاع و استبداد اجازه نخواهند داد تا خواست مردم پیرامون تحقق آزادی و استقرار جامعه مدنی تحقق یابد. چهارمین کنگره حزب توده ایران نیز در توضیح همین مسأله بر این نکته تأکید کرد که حزب ما اعتقاد نداشته و ندارد که با ادامه وجود رژیم «ولایت فقیه» می توان اقدامی اساسی و ریشه ای در جهت تحقق این شعارها به انجام رساند. این نظر حزب ما، امروز، حتی از سوی بسیاری از نزدیکان خاتمی رئیس جمهور و نیروهای طرفدار او ابراز می شود. مجاهدین انقلاب اسلامی در راستای همین تحلیل حزب ما معتقدند که ارتجاع آماده است تا حد حرکت های شبه کودتایی، برای سد کردن هرگونه تحول بنیادین گام بردارد.

سوالی که در این برهه اذهان مردم و نیروهای سیاسی را به خود مشغول داشته است، این است که سرانجام این رویدادها به کجا می انجامد، و مهم تر از همه وظایف ما در شرایط کنونی چیست؟ دبیرخانه کمیته مرکزی حزب ما در اعلامیه ای که در تاریخ هجدهم فروردین ماه انتشار داد، در خصوص ترفند ها و توطئه های نیروهای ارتجاعی و استبداد حاکم برای سرکوب جنبش مردمی هشدار داد و نیروهای مترقی، ملی و آزادی خواه کشور را به مبارزه مشترک برای به شکست کشاندن این نیروها فرا خواند.

روشن است که جناح راست ضمن تلاش برای اعمال

درگیری و تنش میان جناح های مختلف رژیم «ولایت فقیه»، و دستگیری غلامحسین کرباسچی، شهردار تهران، از چهره های سرشناس دولت رفسنجانی و خاتمی، در نخستین روزهای سال نو، ابعاد نوینی به بحران سیاسی رژیم بخشیده است که حل آن به اعتراف روزنامه جمهوری اسلامی در شرایط کنونی و با توجه به آنچه که رخ داده است آسان نیست. در یک حرکت بی سابقه سید علی خامنه ای و رفسنجانی دیدار فوق العاده ای را با سران سه قوه برگزار کردند تا راه حل های ممکن برای خروج از بحران کنونی را بررسی کنند. به اعتراف بسیاری از مفسران سیاسی و همچنین شخصیت های سیاسی طرفدار دولت، حرکت قوه قضاییه، ضربه جدی به حیثیت و کارآمدی دولت خاتمی است که در ده ماه گذشته عملاً نتوانسته است زیر فشار جناح راست گامی در راه تحقق شعارهای انتخاباتی خود بردارد.

جناح راست با دستگیری کرباسچی، بدون اطلاع رئیس جمهور و دولت، در واقع به همه اعلام می کند که اهرم های حکومتی در جمهوری اسلامی در دست چه کسانی است و این افراد چه مقاصد و اهدافی را دنبال می کنند. بررسی رویدادهای ماه های اخیر در عرصه های گوناگون، از مثله کردن لایحه بودجه سال ۱۳۷۷ در مجلس شورای اسلامی که کنترل آن در دست جناح راست است تا ادامه سرکوب و اختناق و تشدید یورش گروه های چماق دار وابسته به ارگان های سرکوبگر به نیروهای دگر اندیش، شواهد، گوناگون در اثبات این مدعا است. حزب ما نخستین حزب سیاسی

ادامه در ص ۶

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

# برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## «هدف نهایی ساقط کردن دولت خاتمی است»



### نامه اعتراضی ۳۸۵ نفر در دفاع از آیت الله منتظری

بر اساس گزارش روزنامه ها: «۳۸۵ تن از علما، استادان، محققان و فضایی حوزه های علمیه» در نامه ای سرگشاده به «مراجع تقلید»، خواهان پایان یافتن محدودیت های اعمال شده به آیت الله منتظری شدند. در این نامه که توسط کسانی مانند آیت الله سید محمد تهرانی، آیت الله غلامسحین ایزدی و جمعی دیگر امضاء شده است برخورد مزدوران رژیم با آیت الله منتظری غیر انسانی اعلام گردیده و امضاء کنندگان ضمن ارائه دلایلی مبنی بر «منافات داشتن حصر آیت الله منتظری با قانون اساسی، مصالح نظام و اصول انسانی خواستار عادی شدن وضعیت و برقراری درس و بحث و بازگرداندن دفتر و حسینیه ایشان شدند...».

### نامه ۵۰ نفر از نویسندگان به خاتمی

بر اساس گزارش روزنامه جامعه، «پنج تن از نویسندگان کشور در نامه ای به سید محمد خاتمی رئیس جمهور، نسبت به ایجاد هرگونه مانع برای صدور گذرنامه فرج سرکوهی، منتقد ادبی و روزنامه نگار، اعتراض کردند. در این نامه که توسط افرادی چون احمد شاملو، محمود دولت آبادی، محمد رضا باطنی، محمد علی سپانلو، هوشنگ گلشیری، سیمین بهیبهانی، علی اشرف درویشان و انورخامه ای امضاء شده است، از جمله آمده است: «ما نویسندگان معتقدیم که آزادی نویسنده هنگامی تحقق می یابد که امکان مشارکت و تبادل نظر و فعالیت در عرصه های فرهنگی، ملی و جهانی فراهم آید.»

### اعتراض تشکل های دانشجویی

بر اساس گزارش رسانه های گروهی، در پی دستگیری شهردار تهران، برخی از تشکل های دانشجویی، از جمله «انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران»، «انجمن اسلامی مهندسان ایران»، «انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف»، و «جامعه مستقل دانشجویی دانشگاه صنعتی امیرکبیر» در اعتراض به عملکرد مدیریت قوه قضائیه اعلامیه های جداگانه ای منتشر کردند.

دولت و رئیس جمهور منتخب مردم است که باید ساقط شود. مسکوت گذاردن پرونده شکایات علیه مخالفان دولت، به کارگیری عناصری که در جریان انتخابات ریاست جمهوری آشکارترین تخلفات را مرتکب شدند در سطح مشاورت ریاست این قوه... دستگیری شهردار تهران بدون اطلاع دولت و رئیس جمهوری و... همگی تأییدی بر این مدعاست... از همین رو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اعتقاد دارد که ماجرای شهرداری تهران و دستگیری شهردار ماهیتی سیاسی دارد و نه قضایی... نیروهای حامی برنامه های دولت نباید به تصور اینکه اعتراض به دستگیری شهردار ممکن است به مفهوم تأیید عملکرد و یا تخلفات احتمالی شهردار تهران تلقی شود از کنار این حادثه به سکوت بگذرند.»

«سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی همچنین از رئیس جمهوری درخواست می کند که تمامی تلاش خود را برای برگزاری سریع دادگاه علنی آقای کرباسچی به عمل آورد...»

بر اساس گزارش روزنامه همشهری، پنجشنبه ۲۰ فروردین ماه، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، به رهبری بهزاد نبوی، با صدور بیانیه ای در تهران هدف اساسی حرکت های جناح راست را ساقط کردن دولت خاتمی اعلام کرد. در این اعلامیه از جمله آمده است: «در اولین روزهای کاری سال جدید و در حالی که دولت در انتظار ظهور آثار ناشی از کاستی ها و اشتباهات سیاست های اقتصادی گذشته و کاهش شدید قیمت نفت است و خود را برای مواجهه با یک بحران جدی اقتصادی آماده می کند، در میان ناباوری همگان شهردار تهران با اتهاماتی چون اختلاس و سوء مدیریت دستگیر می شود و نمایندگان جناح راست در مجلس هماهنگ با بخشی از قوه قضائیه وارد صحنه می شوند و پس از یک دوره که حملات پیاپی خود را متوجه وزرای کابینه می کردند این بار شخص رئیس جمهوری را هدف قرار می دهند... همان گونه که هدف از استوالات پی در پی از وزرای کابینه در مجلس، به ویژه وزیر کشور - هم شخص وزرا نیستند، بلکه هدف،

## تخلف کلان مالی در مدیریت سابق ارشاد

میلیارد و ۵۴۰ میلیون تومان برای دریافت کتاب از ناشران خارجی به مسئولان غرفه پرداخت کرده اند. هنگام تخصیص ارز به ناشران خارجی با کمال حیرت متوجه شدیم که از این مبلغ حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان در اختیار ما نیست که این مبلغ را با زحمت زیاد فراهم کردیم...».

بر اساس همین گزارش ها، محمد صادق حسینی، مشاور مطبوعاتی وزیر ارشاد نیز در اظهار نظری پیرامون این مسأله از جمله گفت: «در زمینه مسایل مالی، ابهاماتی از زمان تصدی وزیر سابق ارشاد وجود دارد که این تخلفات در حال بررسی است...» به گفته حسینی «دولت صلاح را در این می بیند که این مسأله را در چارچوب دیوان محاسبات کشور بررسی و در همین چارچوب راه حلی برای آن پیدا کند...».

عطاالله مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در مصاحبه ای در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی، گزارشی از سفر اخیر خود به فرانسه و سوئد را به رسانه های گروهی ارائه داد.

او در همین گزارش ضمن موفق خواندن سفر خود، در ضمن به مسأله پی بردن مسئولان وزارت ارشاد به کسری عظیمی در بودجه این وزارت خانه اشاره کرد و گفت: «از حوزه معاونت مالی اداری گزارشی در این مورد خواستیم. در حوزه معاونت سینمایی، مطبوعاتی، بنیاد فارابی، رسانه تصویری، موسسه کمک به توسعه فرهنگ و هنر و نمایشگاه، ابهامهای جدی وجود دارد. البته گزارش ها به صورت قطعی و نهایی نیست و به این دلیل موضوع مسکوت مانده است. امید وارم این ابهام ها را در درون حل کنیم...».

مهاجرانی سپس در توضیح موارد اتهام از جمله اضافه کرد: «سال گذشته در نمایشگاه کتاب، مردم در حدود یک

### ادامه برخی عکس العمل ها و موضع گیری ها

این چنین در وضع مدیریت کشور بحران ایجاد می کنند...».

#### • ناطق نوری: رئیس مجلس شورای اسلامی

علی اکبر ناطق نوری که در جمع کارکنان مجلس سخن می گفت با اشاره به مسأله به وجود آمده میان قوه مجریه و قضائیه در پی بازداشت شهردار تهران، تدبیر و دستور العمل «مقام رهبری» در این زمینه را مهمترین عامل، در ایجاد آرامش «میان مردم» عنوان کرد. به گفته ناطق نوری «ولایت فقیه مهمترین عامل وحدت مردم در استمرار، حفظ و پایداری انقلاب است» و «به وجود آمدن دسته بندی در میان مسلمانان و تعرض دشمنان به اسلام را از عدم تبعیت از این رکن» ناشی دانست.

#### • عزت الله سحابی: مدیر مسئول ماهنامه «ایران فردا»

سحابی در مصاحبه با روزنامه جامعه در این زمینه از جمله گفت: «برخورد با شهردار برای این است که لکه ای به او بچسباند که دیگر در خدمات دولتی مشغول نشود و اگر از سمت شهرداری برداشته شود، آقای خاتمی نتواند در جای دیگری از او استفاده کند... صحبت عدالتی طلبی و مبارزه با فساد و سوء استفاده مالی در کار نیست. درگیری ماهیتاً

جناحی و سیاسی است و فعلاً شهردار را گیر آورده اند. • محسن مخلفات: فیلمساز

«آقای رئیس جمهور در روز دوم خرداد ۱۳۷۶، بیست میلیون از مردم ایران به شما رأی دادند تا به عنوان نماینده قانونی ایشان در حکومت شرکت کنید و در مواقع بحران، ملت به رأی و نظر شما استناد کنند و تکلیف خویش را بدانند. اکنون در مورد زندانی شدن آقای کرباسچی، ایران، به سمت یک بحران پیش می رود و این بیست میلیون منتظر شما هستند. اما شما علیرغم این توقع ملی سکوت کرده اید. تعبیر ما از سکوت عمیق شما چه باید باشد؟»

۱- اینکه سکوت شما علامت رضاست و با دستگیری آقای کرباسچی موافقت! بیانیه هیأت دولت در جهت حمایت از آقای کرباسچی این گمان را باطل می کند... ۲- تعبیر دوم این است که شما نگران خشونت های احتمالی از اظهار نظر خود هستید. من خود بر این تعبیرم و سکوت شما را حرکتی گاندری وار و در راستای «عدم خشونت» که آرزوی جامعه مدنی است می دانم. از سویی دلم می خواهد به این اقدام سیاسی که عدالت و قضاوت را در جامعه ایران بدنام کرده است اعتراض کنم...»

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

# هشدار! ارتجاع و استبداد در تدارک سرکوب جنبش توده ای است!!

اوج گیری جنبش توده ای در سراسر کشور، هراس مدافعان رژیم «ولایت فقیه» را به شدت برانگیخته است. اعتصاب های گسترش یافته کارگری در کنار اعتراض های وسیع دانشجویی، و رشد بی سابقه ناراضی عمومی توده ها از ادامه اختناق، بی امنیتی، گرانی، بیکاری و بحران همه جانبه اقتصادی، اوضاع کشور را به شدت بحرانی کرده است.

نزدیک به ده ماه پس از انتخابات دوم خرداد ماه که اکثریت عظیم مردم میهن ما در یک همه پرسی تاریخی خواستار تغییر اوضاع و حرکت به سمت استقرار جامعه مدنی، آزادی و عدالت اجتماعی شدند، و با رد نماینده «ولی فقیه» و مدافعان «ذوب در ولایت»، انزجار عمیق خود را از ادامه استبداد و اختناق حاکم اعلام کردند، درستی پیش بینی حزب ما مبنی بر مخالفت و ممانعت مرتجعان و مستبدان حاکم با تحقق این خواست ها، بیش از پیش روشن می شود. مدافعان «ولایت مطلقه فقیه» با در انحصار گرفتن اهرم های اساسی قدرت، از جمله نهاد «ولایت فقیه»، قوه قضائیه، شورای نگهبان، ارگان های نظامی، انتظامی و سرکوبگر و صدا و سیما، عملاً نه تنها اجازه نداده اند هیچ گامی در راستای تحقق خواست های مردمی برداشته شود، بلکه آشکارا به مقابله با این خواست ها برخاسته اند.

ده ها اعتصاب کارگری در کنار فریادهای «مرگ بر استبداد» دانشجویان معترض و همچنین بالا گرفتن برخوردها در درون طرفداران حکومت جمهوری اسلامی، در هفته های آخر سال ۱۳۷۶، که آخرین نمونه آن نامه اعتراضی بیش از «۳۸۵ تن از استادان، محققان و فضایی حوزه های علمیه» در اعتراض به رفتار رژیم با آیت الله منتظری بود، زنگ خطری جدی را در گوش سران رژیم «ولایت فقیه» به صدا در آورد. اعلام خطرهای خامنه ای، تهدیدهای شیخ محمد یزدی رییس قوه قضائیه و تکرار آنها توسط امامی کاشانی، دبیر شورای نگهبان، در نماز جمعه تهران، در کنار هشدار باش های فرمانده کل سپاه پاسداران در مورد خطراتی که «نظام» را تهدید می کند، انعکاس روشنی از این نگرانی ها است. در هفته های اخیر همچنین گزارش هایی پیرامون دیدارهای پنهانی تعدادی از سران رژیم و برخی تصمیم گیری ها برای مقابله با جنبش رو به رشد توده ها به دست ما رسیده است که بسیار نگران کننده است. دستگیری کرباسچی شهردار تهران بلافاصله پس از پایان ایام تعطیلات نوروزی، علیرغم همه فشارهای دفتر رییس جمهوری، و دیدار بی سرو صدای هاشمی رفسنجانی با خامنه ای برای حل موضوع، نشانگر ابعاد وسیع بحران رژیم از یک سو و آماده شدن ارتجاع و استبداد برای سرکوب جنبش مردمی از سوی دیگر است.

نیروهای ارتجاعی خوب می دانند که در صورت ادامه شرایط کنونی، خطر جدی رژیم «ولایت فقیه» را تهدید می کند و بنابراین چاره کار را در سد کردن رشد جنبش مطالباتی توده ها و سرکوب آن می بینند.

حزب توده ایران معتقد است که در شرایط کنونی راه موثر مقابله با ترفندهای نیروهای سرکوبگر، سازمان دهی مقاومت توده ای و مقابله منسجم مردم علیه ارتجاع و استبداد حاکم است. امروز دیگر کمتر کسی را می توان یافت که با تجربه رویدادهای ده ماه گذشته به این باور دیرینه ما نرسیده باشد که با ادامه رژیم «ولایت فقیه» حرکت به سمت تحولات بنیادین و پایدار و استقرار جامعه مدنی، آزادی و عدالت اجتماعی ممکن نیست. حزب توده ایران ضمن هشدار باش پیرامون توطئه های خطرناک و شوم نیروهای ارتجاعی برای سرکوب جنبش مردمی، نیروهای مترقی و آزادی خواه را به حرکت و مبارزه یکپارچه علیه این ترفندها و با استفاده از همه شیوه های ممکن، از جمله اعتصاب، راه پیمایی، تحصن و انواع دیگر حرکات اعتراضی ممکن، فرا می خواند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۸ فروردین ماه ۱۳۷۷

برابر با ۷ آوریل ۱۹۹۸

## آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

# الحاق تبصره ۳۵ به لایحه بودجه کل کشور، يك اقدام ضد کارگری است

مجلس شورای اسلامی در جریان بحث و رسیدگی به لایحه بودجه کل کشور برای سال ۱۳۷۷ خورشیدی، با اکثریت قاطع آراء الحاق تبصره ای تحت عنوان تبصره ۳۵ به بودجه را از تصویب گذراند. افزودن این تبصره که دارای چند بند است، در چارچوب هدف ها و سیاست های کلی رژیم «ولایت فقیه» مبتنی بر خصوصی سازی شرکت های دولتی، و تلاش در راه جلب و جذب سرمایه های خارجی در عرصه های مختلف، قابل بررسی و ارزیابی است.

تبصره الحاقی ۳۵ به بودجه کل کشور مقرر می دارد: «... به منظور کاهش حجم تصدی دولت و تشویق سرمایه گذاری بخش های تعاونی و خصوصی، دولت موظف است تا قبل از تقدیم لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور به مجلس شورای اسلامی، نسبت به تعیین تکلیف کلیه شرکت های بخش دولتی از طریق انحلال، واگذاری و فروش سهام به بخش خصوصی اقدام کند». در بند های متعدد این تبصره نیز به وضوح روی واگذاری کارخانه ها و صنایع به سرمایه داران، با حداقل مقررات به اصطلاح دست و پاگیر، تاکید شده است. به عنوان نمونه از جمله در بند «د» این تبصره، با صراحت هر چه تمامتر قانون واگذاری سهام به کارگران و ایثارگران ملغی و پایان یافته اعلام می شود. همانگونه که اشاره رفت، گنجاندن این تبصره و بندهای مختلف آن در لایحه بودجه سال ۱۳۷۷ خورشیدی، بدون زمینه قبلی نیست و در جهت سمت گیری رژیم «ولایت فقیه» در چارچوب گسترش خصوصی سازی و مهیا کردن شرایط سهل برای سرمایه گذاری خارجی در صنایع و امور تولیدی کشور، انجام گرفته است.

باید تاکید کرد ملغی اعلام کردن حق قانونی کارگران در تصاحب و سهمین شدن در سهام شرکت ها و واحدهای تولیدی بوسیله تبصره الحاقی ۳۵، مکمل و دنباله ضروری و منطقی چند مصوبه قبلی، بویژه لایحه اجازه سرمایه گذاری به شرکت های خارجی از ۱ تا ۹۹ درصد، توسط مجلس شورای اسلامی در ۲۳ آبان ماه ۱۳۷۶ است. پس از تصویب لایحه اجازه سرمایه گذاری به شرکت های خارجی از ۱ تا ۹۹ درصد بعلاوه معافیت های مالیاتی ۶ تا ۱۲ ساله برای آنها، جهت آماده ساختن شرایط می بایست یکی از مهمترین موانع در این راه، یعنی حضور و مشارکت طبقه کارگر در امور واحدهای تولیدی به لحاظ «قانونی» حل می شد. افزودن تبصره الحاقی ۳۵ به لایحه بودجه کشور، درست به معنای «حل قانونی» این مشکل بزرگ به سود سرمایه داران داخلی و خارجی است. نباید فراموش کرد که رژیم «ولایت فقیه» برای جلب نظر انحصارهای فراملی و سرمایه داران خارجی، بطور جدی بر روی نیروی کار ارزان و «کم خطر» تاکید و تبلیغ می کند. در این مساله خطیر، کلیه جناح های حکومتی، صرف نظر از اختلاف سلیقه و دیدگاه و تفاوت روش، سهمین اند و همگام و هماهنگ عمل کرده اند.

برنامه دولت خاتمی برای افزایش تولید و رشد اقتصادی، همچنانکه بارها تاکید کرده است، تکیه بر خصوصی سازی و جذب سرمایه های خارجی است. این برنامه و موضعگیری های هواداران دولت خاتمی، با سیاست و برنامه اعلام شده باند حجتیه - رسالت که توسط نماینده آنها، لاریجانی در مذاکرات موسوم به لندن که پیش از انتخابات ریاست جمهوری موجب تنش هایی بین جناح های مختلف گردید، تفاوت چندانی ندارد، و بهترین گواه توافق جناح های حکومتی در این امر است. تعداد آراء قابل توجه در تصویب تبصره ۳۵ نیز خود شاهدی دیگر بر اثبات این مدعا است. برخی تفاوت های موجود نیز صرفا در زمینه شیوه عملی ساختن این برنامه و سیاست است. «مجمع کارگری» مجلس شورای اسلامی، که شامل نمایندگان نهادهایی نظیر خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار وابسته به رژیم است، نیز با الویت قرار دادن سیاست «مصلحت نظام»، می کوشد با فریب کارگران و مانورهای گوناگون در واقع جو مطلوب را برای اجرای سیاست های رژیم «ولایت فقیه» در مسایل کارگری و دیگر مسایل فراهم سازد.

سهیلا جلوارزاده، یکی از اعضای فعال «مجمع کارگری» نمایندگان مجلس رژیم، ضمن انتقاد به تبصره الحاقی ۳۵، از جمله می گوید: «ما با قضیه واگذاری شرکت های دولتی مخالفتی نداریم، چرا که همه اذعان دارند از حجم دولت باید کاسته شود، ولی متأسفانه روند واگذاری ها در سال های گذشته به صنعت و تولید ضربه زد، هدف تعدادی از خریداران که با تسهیلات بانکی و تخفیف مالک شرکت های دولتی شدند، این بود که شرکت های خریداری شده را «زیان بار» اعلام کنند و از پول حاصل از فروش این شرکت ها یا کارخانه ها وارد امور بازرگانی و تجارت شوند».

این اعتراف آشکاری است به رواج شیوه دلالی در اقتصاد ایران در پرتو سیاست به اصطلاح خصوصی سازی که حزب ما، بارها و بارها آن را افشاء کرده و نسبت به گسترش واسطه گری و دلالی تحت حمایت دولت «سردار سازندگی»، و پیامدهای زیان بار آن هشدار داده است. به علاوه سخنان این نماینده رژیم، ماهیت عمیقاً ضد کارگری تبصره الحاقی ۳۵ را روشن می سازد.

نکته پراهمیت دیگر در موضعگیری «مجمع کارگری» نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نگرانی این جریان از رشد اعتراض های گارگری به دلیل اجرای این تبصره در لایحه بودجه است. تاج الدین، نماینده رژیم از شهر اصفهان و عضو دیگر همین مجمع، در این زمینه هشدار می دهد که: «... با اجرای این تبصره زمینه مشارکت عامه سنگر نشینان تولید یعنی کارگران عملاً محدود شده و نه تنها رکود و نقصان را از تولید به همراه خواهد داشت بلکه موجب تنش ها و بحران های کارگری می شود».

واقعیت این است که حق کارگران در سهمین شدن در سهام، محصول چند دهه پیکارجنبش کارگری و سندیکایی میهن ماست که طبقه کارگر ایران با مبارزه دشوار به آن قانونیت بخشیده است. بهمین دلیل، اقدام کارگر ستیزانه رژیم «ولایت فقیه» با وجود حاکم بودن جو اختناق، نمی توانست از سوی کارگران و زحمتکشان بدون پاسخ بماند. علیرغم تصور رژیم، طبقه کارگر آگاه مجرب و رزمنده ایران، خیلی زود و بی درنگ علیه این اقدام واکنش نشان داد. یکی از عمده ترین محورهای جنبش اعتراضی رو به رشد طبقه کارگر در ماه های اخیر، مقابله با خصوصی سازی بوده است. در همین مورد مشخص، کارگران قهرمان شرکت جنرال (جبال) واقع در جاده کرچ، اعتراض کرده و دست به اعتصاب زدند. برخی از روزنامه های مجاز در جمهوری اسلامی نظیر رسالت و فردا ناگزیر به واقعیت جنبش رو به رشد کارگری اعتراف کرده و به درج کردن سانوسر شده اعتصاب کارگران شرکت جنرال وادار شدند و به صراحت نوشتند: «خواست اصلی کارگران مساله واگذاری سهام شرکت و منافع کارگران بوده». اقدام شجاعانه کارگران شرکت جنرال، پاسخ قاطع به این اقدام کارگر ستیزانه مجموعه رژیم ولایت فقیه محسوب می گردد. خشم و اعتراض کارگران و زحمتکشان به شرکت جنرال محدود نمی شود. در پاره ای از واحدهای صنعتی - تولیدی نظیر کارخانه ریسندگی و بافندگی تجارت اصفهان و کارخانه، خانه های پیش ساخته کرمان اعتراض شدید به نحوه واگذاری سهام به بخش خصوصی و عدم وجود امنیت شغلی جزو موارد روشن و جدی خواست کارگران اعتصابی بوده است.

کوتاه سخن، گنجاندن و سپس تصویب تبصره الحاقی ۳۵ به لایحه بودجه سال ۱۳۷۷ کل کشور بار دیگر سرشت کارگر ستیز و ضد مردمی رژیم «ولایت فقیه» را آشکار ساخت. تصویب تبصره الحاقی ۳۵ به لایحه بودجه، حلقه ای از سلسله اقدامات هدفمند جمهوری اسلامی است که می کوشد با باز گذاردن دست انحصارهای امپریالیستی برای غارت میهن ما حفظ و تداوم حکومت خود را تأمین کند.

**ایجاد تشکل های صنفی مستقل کارگری از مهمترین خواست های مطالباتی جنبش کارگری در شرایط کنونی است!**

# «مقابله با تهاجم فرهنگی»

## دو کلمه حرف حساب

### «اعدام باید گردد!»

«به خبری که سه ماه بعد به دست ما می رسد توجه نمایید: صبح امروز غلامحسین کرباسچی شهردار سابق تهران در یک مصاحبه مطبوعاتی با حضور خبرنگاران روزنامه های صبح و فردا صبح شرکت کرد. وی ضمن اعتراف به موارد زیر خواستار اعدام خود و سایر کارکنان شهرداری تهران شد:

۱- اقدام به سرنگونی نظام جمهوری اسلامی از طریق ساخت خیابان ها و بزرگ راههایی که دشمن بتواند از آنها برای عبور و مرور استفاده نماید.

۲- اقدام به ساخت برج های طویل برای دسترسی هرچه بیشتر دشمن جهت رصد کردن نقاط حساس به خصوص در خیابان های پاسداران و آفریقا.



۳- اقدام به احداث صدها پارک در نقاط مختلف تهران جهت عیش و نوش جوانان و تسهیل در توزیع مواد مخدر و برداشتن ترده های پارک های تهران جهت سهولت فرار عوامل توزیع کننده مواد مخدر.

۴- اقدام به کمک مالی به برادران متعهد

جهت فاسد کردن آنان.

۵- اقدام به قرار گرفتن در مسیر باد که باعث شده است تا ثروت های بادآورده فراوانی توسط وی در دسترس جناح آن طرفی قرار بگیرد.

۶- اقدام علیه امنیت کشور از طریق ایجاد تحمل گرایی در شهر تهران و تمیز کردن شهر که برانگیختن خشم بسیاری را باعث شد.

۷- اقدام به تأسیس خانه های تیمی تحت عنوان خانه فرهنگ و فرهنگسرا که البته توسط برادران انقلابی فتح گردید.

۸- اقدام به انتشار روزنامه رنگی به اصطلاح همشهری جهت ایجاد انحراف در افکار عمومی و ترویج فساد و فحشا از طریق کمک به عوامل به اصطلاح هنرمند در جشنواره فیلم فجر و کمک مالی به این جشنواره.

۹- اقدام به انتخاب شهرداران تازه دستگیر شده و تازه آزاد شده و نشر اکاذیب در مورد وجود ضرب و شتم و زندان شهرداران و اقدام به هرگونه فعالیت.

۱۰- به درد آوردن دل سردبیران نشریات جناح آن طرفی و خانواده ایشان که علیرغم مصرف داروهای مختلف همچنان درد دل آقایان به قوت خود باقی است.

۱۱- اقدام به تأسیس انواع ترمینال و پارک سوار جهت اتلاف وقت مسلمین.

۱۲- اقدام به جاسوسی برای شهرداران سایر شهرهای جهان از طریق شرکت در جلسات مختلف.

۱۳- وی همچنین اعتراف کرد که اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی منتسب به فاضل خداداد و برادر، برادر رفیق دوست توسط وی انجام شده است.

۱۴- اقدام به مشارکت در طرفداری از سید محمد خاتمی رییس جمهور و به درد آوردن دل جناح مقابل در راستای جامعه مدنی....»

مهاجرانی، وزیر ارشاد رژیم، در مصاحبه اخیر خود با رسانه های گروهی (همشهری ۲۰ فروردین ۱۳۷۷) اعلام کرد که ابهام های جدی بر سر چگونگی خرج بودجه «مقابله با تهاجم فرهنگی» در این وزارتخانه به هنگام مدیریت قبلی، وجود دارد. رژیم ولایت فقیه اکنون سال ها است که برای تحکیم پایه های استبدادی خویش، مقابله با تهاجم فرهنگی را یکی از آماج ها و اهداف مهم خود اعلام کرده است. سران رژیم جمهوری اسلامی به منظور رواج اندیشه های پوسیده و قرون وسطایی، بویژه محدود کردن هر چه بیشتر آزادی ها و حقوق دمکراتیک فردی و اجتماعی شهروندان، دستاویز مقابله با تهاجم فرهنگی را پیش کشیده و تحت این عنوان دست به سرکوب گسترده زده اند. در این میان، طی چند سال اخیر، بویژه در دوران دولت رفسنجانی، این مساله بارها و بارها هدف تبلیغات وسیع جمهوری اسلامی قرار گرفت و سرانجام در سال ۱۳۷۴ خورشیدی رقم خاصی، تحت نام تبصره ۵۵ مربوط به مقابله با تهاجم فرهنگی، در لایحه بودجه کل کشور گنجانده شد. رفسنجانی به عنوان رییس دستگاه اجرایی در آن زمان شخصا بر این موضوع پافشاری کرد و یکی از اصلی ترین اهداف دولت خود را همین مقابله با تهاجم فرهنگی اعلام کرد. با تصویب مجلس شورای اسلامی، تبصره ۵۵ لایحه بودجه کل کشور برای سال های ۱۳۷۴ و سپس ۱۳۷۵ خورشیدی، شکل «قانونی» یافت و مبلغ کلانی تحت این عنوان در اختیار دولت «سردار سازندگی» قرار گرفت، تا این دولت بتواند به نحو احسن برای اعتلای فرهنگی و حفاظت از «کیان نظام» و در مقابله با تهاجم فرهنگی از آن به خوبی استفاده کند. پس از گذشت، بیش از ۲ سال هم اکنون مشخص شده است، بودجه مربوطه نه فقط در راه مقابله به اصطلاح تهاجم فرهنگی مورد ادعای رژیم ولایت فقیه مصرف نشده، بلکه رقم کلان و قابل توجهی از بودجه کل کشور به این نام، توسط سران ریز و درشت جمهوری اسلامی بویژه «سردار سازندگی» و هوادارانش، حیف و میل گردیده است.

در اواخر بهمن ماه سال ۱۳۷۶، مجلس شورای اسلامی در یکی از جلسات علنی خود گزارش کمیسیون تحقیق و مامور رسیدگی به بودجه مقابله با تهاجم فرهنگی را مورد بررسی قرار داد. این گزارش، با وجود اینکه با حفظ رعایت «مصالح عالی نظام» تهیه و تدوین شده، دارای نکات بسیار افشاگرانه ای است و پرده از واقعیت هیاهوی تبلیغاتی گسترده سران رژیم، به ویژه باند رفسنجانی و جناح رسالت - حجتیه پیرامون ضرورت مقابله با تهاجم فرهنگی، بر می دارد و نیت واقعی این نیروها را از چنین تبلیغاتی روشن و ماهیت انگلی و ضد ملی آنها را افشاء می کند. گزارش کمیسیون تحقیق و تفحص درباره تبصره ۵۵ بودجه سال ۱۳۷۴ و شش ماهه اول سال ۱۳۷۵ خورشیدی با تاکید، خاطر نشان می سازد: «دستگاه های اجرایی موضوع این قانون به دلیل عدم گزارش عملکرد خود به مجلس به شدت قابل انتقاد هستند... عملکرد برخی از این دستگاه ها به گونه ای بوده است که در بخشی از موارد با اصل و هدف تبصره بیگانگی و مغایرت داشته و غالباً دستگاه های اجرایی اعتبارات این تبصره را محلی برای جبران کمبود اعتبارات جاری و عمرانی خود تلقی کرده و چون نوع و نحوه و محل مصرف اینگونه اعتبارات در قانون مشخص نگردیده بود، دستگاه های مصرف کننده بر مبنای تشخیص خود نسبت به هزینه آن اقدام کرده اند...». به این ترتیب، بر پایه گزارش فوق، دستگاه های اجرایی مربوطه درست مغایر با اهداف اعلام شده، بودجه را هزینه کرده اند و گزارشی نیز از نوع، نحوه و محل مصرف به هیچ ارگان ذیربط، حتی مجلس شورای اسلامی، نداده اند و هرچه خود تشخیص دادند، درست برخلاف قانون انجام داده اند. این گونه بی قانونی و چپاول ثروت ملی مردم، از ویژگی های رژیم «ولایت فقیه» است. در چارچوب این رژیم هیچ قانون، معیار و ضابطه ای برای مهار و جلوگیری از این نوع تخلفات وجود ندارد. اختلاس ۱۲۳ میلیاردی، رشوه و اختلاس های متعدد در دوایر دولتی و بانک ها، و نیز همین حیف و میل بودجه به نام مقابله با تهاجم فرهنگی گواه دیگری بر ماهیت غارتگرانه رژیم «ولایت فقیه» است. مشتکی دلال و نوکیسه در این بی قانونی و هرج و مرج زاینده حاکمیت «ولایت فقیه»، ثروت ملی را با حرص و ولع می بلعند! در بخش دیگری از این گزارش افشاگرانه آمده است: «دولت (منظور دولت «سردار سازندگی» است) همچنین نسبت به تدوین و تصویب آیین نامه اجرایی تبصره های بودجه در سنوات مورد تحقیق و تفحص و ابلاغ به دستگاه های اجرایی اقدام نکرده و در نتیجه هر دستگاه بر اساس نظر خود، بدون داشتن تعریف مشخص چارچوب مناسب و داشتن مصادیق تهاجم فرهنگی نسبت به هزینه اعتبارات عمل کرده است. لذا مراد قانونگذار از تصویب این تبصره عملاً نقض و نظر قانونگذار تأمین نشده است... پرداخت هزینه های پرسنلی، اداری، سرمایه ای و انتقالی از جمله هزینه هایی بوده است که دستگاه های اجرایی ذیربط در قالب تهاجم فرهنگی پرداخت کرده اند و در بسیاری موارد غیر قانونی بوده و تخلف از قانون محسوب می شوند...». در این گزارش، دستگاه های اجرایی که بیشترین تخلف و حیف و میل و یا به بیان روشن غارت ثروت ملی در آنها صورت پذیرفته، عبارتند از: نهاد ریاست جمهوری، سازمان های تبلیغات اسلامی، سازمان تربیت بدنی، صدا و سیما جمهوری اسلامی، وزارت ارشاد و وزارتخانه های آموزش و پرورش و بهداشت و درمان. همچنانکه پیداست، گزارش فوق محتاج توضیح و تفسیر نیست. بودجه ای کلان از ثروت ملی مردم میهن ما توسط رهبران جمهوری اسلامی تحت عنوان واهی مقابله با تهاجم فرهنگی حیف و میل شده است و همچنان می شود. این امر نشانگر این واقعیت است که چرا سران رژیم ولایت فقیه با تبلیغات گزاف و پر هزینه از ضرورت مقابله با تهاجم فرهنگی دم می زنند.

نوشته سید ابراهیم نبوی

نقل از روزنامه جامعه - یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۷۷

## ادامهٔ بحرانی که سراپای رژیم ...

نیات و خواست هایش، عمده ترین هدف حرکات خود را حفظ «نظام اسلامی» و به عبارت دقیق تر حفظ رژیم «ولایت فقیه» و نهاد «ولایت فقیه» به مثابه اهرم اعمال دیکتاتوری بداند. جناح راست در این زمینه همچنین تلاش می کند تا با وارد آوردن فشار بر دولت، و هشدار پیرامون خطراتی که «نظام» را از سوی نیروهای «غیر خودی» تهدید می کند، خاتمی را به همکاری با خود وادار کند. در عین حال بر اساس گزارش های رسیده از نشست ها و دیدارهای سران جناح راست، این نگرانی جدی پدید آمده است که در صورت بالا گرفتن جنبش مطالباتی توده ها و ضعف نشان دادن حاکمیت در مقابل این خواست ها این جنبش می تواند آنچنان توان و نیرویی پیدا کند که طومار رژیم «ولایت فقیه» را برای همیشه در هم بیچشد. سخن از «درس گیری از تجربه گارباچف» در اتحاد شوروی است و اینکه نباید اجازه داد آنچنان شرایطی ایجاد شود که مهار کردن آن دشوار و غیر ممکن گردد. توجه و نگرانی سران رژیم نسبت به رشد جنبش مطالباتی کارگران و ده ها اعتصاب کارگری در گوشه و کنار کشور و در عین حال اوج گیری جنبش اعتراضی جوانان و دانشجویان در اعتراض به ادامه وضع ناهنجار کنونی است.

افزون بر این دو عامل، سران رژیم خوب می دانند که با ادامه بحران اقتصادی که در ماه های اخیر با نزول قیمت نفت تا حد ۱۱ دلار، منجر به کاهش درآمد و تعمیق ورشکستگی مالی دولت شده است (در کنار بدهی های سنگین خارجی و رکود چشمگیر تولید) فشارهای اقتصادی بر توده ها دو چندان شده است، و نارضایتی عمومی مردم در ماه های گذشته از ادامه وضع نابسامان کشور افزایش یافته است و کاسه صبر توده ها را لیریز کرده است. از آنجایی که با توجه به شرایط کنونی کشور، راه حل مشخص و فوری برای هیچ یک از مشکلاتی که در بالا به آن اشاره شد وجود ندارد، احتمال انفجار عظیم اجتماعی مشابه با آنچه در آستانه انقلاب بهمین ۵۷ رخ داد، خطری است جدی که رژیم را تهدید می کند.

جناح راست معتقد است که «نظام» در شرایط کنونی به یک دولت «قدرتمند» نیازمند است که بتواند با سرکوب همه جانبهٔ خواست های مردم و آرام کردن اوضاع، ادامه کاری رژیم را تأمین کند و این نیروها نسبت به اجرای این تمهیدات از سوی دولت کنونی، شک و تردید جدی دارند.

بدین ترتیب روشن است که در پس پرده برخورد های جناحی، گروهی و حتی جبهه ای، موضوع اساسی تری، یعنی سرنوشت رژیم «ولایت فقیه» است که به گمان ما نیز مضمون اساسی مبارزه در شرایط کنونی است. ما در ابتدای کار دولت خاتمی، هنگامی که او اعلام کرد قرار است همه برنامه های دولت در چارچوب قانون و اصل اساسی «ولایت فقیه» حرکت کند، و در رد موضع گیری هایی همچون: «در جامعه ما با وجود نهاد ولایت فقیه پتانسیل لازم برای دستیابی به دموکراسی و استقرار جامعه مدنی وجود دارد...» (نگاه کنید به هفته نامه «عصر ما»، ۱۴ آبان ماه ۱۳۷۶)، به روشنی اعلام کردیم که: «امروز مردم ما از نزدیک شاهد هستند که تمامی یورش ها به آزادی، سرکوب حرکت های دانشجویی و ترور شخصیت های سیاسی - مذهبی دگر اندیش همه به دستور «ولی فقیه»، هواداران پروپا قرص رژیم استبدادی و زیر پوشش دفاع از «تقدس ولایت» به عنوان اساس حکومت جمهوری اسلامی انجام می گیرد... «ولی فقیه» و مدافعان «ولایت» در رژیم جمهوری اسلامی به روشنی اعلام کرده اند که خواهان استقرار «جامعه ولایی» در مقابل جامعه مدنی هستند و حاضر نیستند کوچکترین گامی برای تغییر شرایط بردارند...». ما در پایان همین ارزیابی به این نتیجه گیری مهم رسیدیم که: «امروز میزان و ملاک شناسایی نیروهای سیاسی گوناگون نه در شعارهای مشتمل دفاع از آزادی که در گام های عملی دفاع و حمایت از جنبش عظیم توده ای نهفته است که خواستش پایان استبداد و استقرار آزادی، جامعه مدنی و حاکمیت قانون در ایران است.» («نامه مردم» - شماره ۵۲۰ - ۱۱ آذر ماه ۱۳۷۶).

امروز نه تنها شهروندان جمهوری اسلامی مورد انواع تضييقات قرار دارند بلکه حتی رهبران سرشناس جمهوری اسلامی نیز با تنگ تر شدن حلقه محاصره ارتجاع در معرض خطر یورش های سرکوبگرانه قرار گرفته اند. با توجه به گفته های امامی کاشانی مبنی بر ضرورت تشنج زدایی در جامعه در نماز جمعه این هفته تهران، به نظر می رسد که جناح راست در پی آرام کردن اوضاع و تحمیل خواست های خود بر دولت خاتمی با تکیه بر «قانون» است که پشتوانه آن «ولی فقیه» است. تن دادن به خواست ها و ترفندهای جناح راست زیر لوای «حفظ نظام» و «خطر خارجی»، تنها ثمره اش کمک به تداوم استبداد حاکم و شرایطی است که مردم ما با رأی ۲۰ میلیونی خود در دوم خرداد ۱۳۷۶، خواهان تغییر آن گردیده اند. امروز دیگر زمان بازی و مانورهای سیاسی به سرعت رو به پایان دارد و مردم خواهان حرکت و برخورد قاطع با ارتجاع و نیروهای طرفدار استبداد هستند. ما در ماه های اخیر به کرات گفته ایم و باز تکرار می کنیم که امید به آینده ای روشن و به دور از حاکمیت استبداد، تنها در گرو پیروزی جنبش مردمی در طرد رژیم «ولایت فقیه» است. مردم ما نه تنها اجباری به قبول چارچوب های از پیش تعیین شده و ارتجاعی سران رژیم برای «حفظ نظام» ندارند، بلکه به گواهی مبارزات وسیع اجتماعی ماه های اخیر، قاطعاً خواهان طرد و پایان دادن به این «نظام» استبدادی هستند. امروز مبارزه نه بر سر دفاع از حقوق کرباسچی، به عنوان یکی از رهبران رژیم که اکنون در خطر قربانی شدن قرار گرفته است، بلکه بر سر استقرار آزادی، عدالت اجتماعی و جامعه مدنی است که با سد رژیم «ولایت فقیه» روبرو است. دولت خاتمی در برخورد های کنونی میدان وسیعی برای مانور ندارد. یا باید به خواست های «ولی فقیه» و رهبران ارتجاع و استبداد تن دردهد، یا اینکه برای دفاع از خود به مردم و نیروی مردمی مراجعه کند. نتیجه این انتخاب هرچه باشد، مردم و نیروهای مردمی خواست های مشخص مبارزاتی خود را برای طرد استبداد و ارتجاع دنبال کرده و می کنند.

همه تحولات هفته ها و ماه های اخیر، نشانگر حرکت جامعه ما به سمت رویدادهای سرنوشت ساز و مهم است. هویشاری و آمادگی جنبش مردمی در مقابله با ارتجاع و استبداد و تلاش برای فرارویی جنبش اعتراضی توده ها به یک حرکت اجتماعی سراسری در جهت پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه»، یگانه راه مطمئن برای دستیابی به آرمان های والای آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما است. بحرانی که سراپای رژیم را در بر گرفته است بی شک نشانگر تحولات مهم در روند فرو پاشی قطعی رژیم استبدادی حاکم بر کشور ماست.

## برگرفته از روزنامهٔ اومانیت

پنجاه سال پس از  
دیر یاسین

نهم آوریل ۱۹۴۸، روز سیاهی در تاریخ مردم فلسطین است. در این روز یکصد و بیست نفر از افراد دو سازمان افراطی یهود به نام های «ایرگون» و «اشترن» به دهکدهٔ فلسطینی «دیر یاسین» که بر روی تپه ای در انحنای جادهٔ «تل آویو» قرار داشت، یورش بردند. «دیر یاسین» روستای آرامی بود که با شهرک های یهودی نشین مجاور قرار داد عدم تجاوز امضاء کرده بود. بر اساس گزارش کسانی که از نزدیک شاهد این فاجعه بودند، افراد مسلح گروه «ایرگون» که توسط مناهیم بگین (نخست وزیر آیندهٔ اسرائیل) فرماندهی می شدند، «دیر یاسین» را به محاصرهٔ خود در آوردند و به ساکنان دهکده پانزده دقیقه فرصت دادند تا خود را تسلیم کنند و پس از پایان این مهلت دهکده و اهالی آن را به مسلسل بستند.

مشروح این واقعه تکان دهنده، از زبان سرهنگ «مایر پائل» که شاهد این کشتار بود چنین نقل شده است: «ظهر بود که جنگ خاتمه یافت. آرامش برقرار بود، اما افراد دهکده تسلیم نشده بودند. نیروهای مسلح «ایرگون» و «اشترن» از سنگرهای خود بیرون آمدند و عملیات «پاکسازی» دهکده را با شلیک بی وقفه مسلسل و پرتاب مواد منفجره به داخل منازل آغاز کردند. هرکس بیرون می آمد، از جمله زنان و کودکان، درجا کشته می شد. برخی از سربازان با کارد و چاقو زنان و کودکان را قتل عام می کردند. بیست و پنج نفر از مردان دهکده را که دستگیر شده بودند سوار کامیون ها کردند و در شهرک یهودی نشین مجاور برای نمایش گرداندند و سپس آنان را در حوالی شهرک یهودی نشین با خونسردی قتل عام کردند.»

از هشتصد نفر ساکنان دهکده، ۲۵۴ نفر وحشیانه قتل عام شدند و خبر این جنایت بی سابقه انعکاس گسترده ای در سراسر فلسطین داشت.

مناهیم بگین در خاطرات خود در این باره می نویسد: «از بی آمدهای قبول داستان های وحشیگری دربارهٔ «قصای ایرگون» این بود که اعراب را در سراسر کشور دچار آنچنان وحشتی کرد که از ۸۰۰ هزار سکنه عرب این نواحی تنها ۱۶۰ هزار نفر در این مناطق باقی ماندند.»

البته قتل عام «دیر یاسین» تنها قتل عام صهیونیست ها در سرزمین های عربی نبوده است. ولی واقعه «دیر یاسین» جای ویژه ای در تاریخ معاصر فلسطین به خود اختصاص داده است. این فاجعه نشانگر ارادهٔ رهبران صهیونیست ها به اشغال سرزمین های عربی و «پاکسازی» آن به هر قیمتی بود. هدف، همان طوری که بگین در خاطراتش به آن اعتراف می کند ایجاد رعب و وحشت و سپس نابودی و بیرون راندن اهالی عرب از سرزمین هایشان بود. «دیر یاسین» عامل کلیدی در نقشه استراتژیکی بود که در سراسر سرزمین های عربی توسط «ارتش دفاع یهود» («هاگاناه») به مرحلهٔ اجرا در آمد.

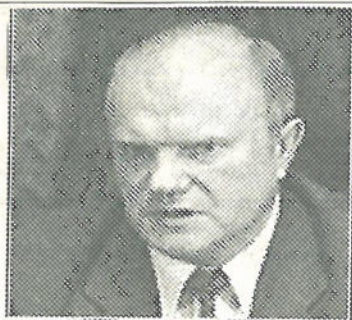
## «کودتای جدید یلتسین!»



### اتحادیه آسیای مرکزی

اتحادیه کشورهای آسیای مرکزی به بنیانگذاران آن قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان هستند در روز ۶ فروردین ماه تاجیکستان را به عضویت پذیرفت. اجلاس روسای جمهوری چهار کشور که در تاشکند پایتخت ازبکستان برگزار شد، همچنین تصمیم به ایجاد یک کنسرسیوم هیدروالکتریک گرفت و در مورد اصول مشترک برای ایجاد بازار سهام اوراق بها دار (Securities) به توافق رسید. اسلام کریموف، رئیس جمهوری ازبکستان گفت که تاجیکستان با ورود به اتحادیه آسیای مرکزی «یک تصمیم تاریخی» گرفته است. او اعلام کرد که ورود تاجیکستان به اتحادیه، آن را واجد شرایط برای «کمک مشخص» از دیگر اعضا می کند. کریموف همچنین اظهار امیدواری کرد که ترکمنستان نیز به زودی به اتحادیه بپیوندد. نور سلطان نظربایف، رئیس جمهوری قزاقستان متذکر شد که بهم پیوستن کشور های آسیای مرکزی به معنای «فاصله گرفتن این کشورها از کنفدراسیون کشورهای مستقل (CIS) نیست». در ارتباط با روسیه که نقش مشاور را در اتحادیه دارد، کریموف گفت: آسیای مرکزی «نمی تواند بدون روسیه عمل کند، درست همانطور که روسیه نمی تواند نقش آسیای مرکزی را منکر شود».

بوریس یلتسین کوشش کرد با برکناری چرنومیردین، نخست وزیر، و تمامی دولت روسیه، در روز ۳ فروردین، ابتکار عمل را در شرایط سیاسی پیچیده این کشور بدست گیرد. با وجود اظهار نظر های متعدد و بعضاً متناقض او، اکنون مشخص شده است که یلتسین با برکناری دولت منفور چرنومیردین، سعی داشت ضمن پیشدستی بر اپوزیسیون که قرار بود روز ۲۰ فروردین در تظاهرات گسترده ای با انتقاد از سیاست های ویرانگر دولت خواهان برکناری چرنومیردین و کابینه او گردد دست خود را برای کنار گذاردن اعضای دولت که دیگر برای طرح های سرمایه داری روسیه مفید محسوب نمی شوند، باز نگاه دارد. برگماری مجدد و بلافاصله معاون اول نخست وزیر بوریس نستوف، وزیر خارجه پریماکوف، و وزیر دفاع را نیز در راستای همین مانورها باید ارزیابی کرد. ترفیع مقام کیرینکو که وزیر سوخت و انرژی بود به نخست وزیری ضمن ضربه زدن به شانس چرنومیردین برای موفقیت در انتخابات ریاست جمهوری آینده، تحکیم موقعیت جناحی از سرمایه داری نوپای روسیه است که به کارایی و عقلایی بودن ادامه همکاری خود با مهره هایی نظیر چرنومیردین از این مرحله به بعد معتقد نیست. «ایزوستیا» و «مسکوسکی کامسومولتس» در روز ۴ فروردین از نقش بوریس برزوفسکی، یکی از سرمایه داران نو پا و یکی از بانک داران خصوصی روسیه و از دوستان نزدیک رییس ستاد یلتسین و همچنین دختر او در برکناری دولت چرنومیردین، پرده برداشتند. بر اساس این گزارش ها برزوفسکی که در جریان انتقال حساب بانکی سرویس مرکزی گمرکات به «اوانکسیم بانک» و نیز فروش سهام کمپانی «روس نفت»، از تصمیمات چرنومیردین متضرر شده بود، در یک مصاحبه تلویزیونی در روز ۲ فروردین خواستار برکناری دولت شده بود. یلتسین در مصاحبه ای در روز ۱۲ فروردین ماه با «کسومولسکایا پراودا» گفت که کابینه جدید او دربرگیرنده «بسیاری مهره های جوان، مبتکر و با استعداد خواهد بود که بار مسئولیت در دوران کمونیستها و پس از کمونیست ها را بر دوش خود نمی کشند». یلتسین گفت که «زمان آن رسیده است» که «رهبران جوان، مردان جوان که مغز دارند، تحصیلات



خوبی دارند، و معقول عمل می کنند» اختیار امور را به دست بگیرند. خشنودی سرمایه داری جهانی از اقدام یلتسین را می توان از ثبات نسبی بازار ارز و سهام روسیه و نیز اظهار اطمینان همه رهبران غربی به ادامه «اصلاحات» در مسیر سرمایه داری در این کشور تشخیص داد. رهبران حزب کمونیست فدراسیون روسیه برکناری دولت را حرکتی در جهت تمرکز قدرت بیشتر در دست های یلتسین و ایجاد امکان انتقال قدرت از او به یک نماینده ثابت قدم و مطمئن سرمایه داری پس از انتخابات ریاست جمهوری آینده در سال ۲۰۰۰ میلادی، ارزیابی می کنند. گنادی زیوگانف رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه خواستار یک دولت ائتلافی شامل نمایندگان اپوزیسیون گردید. کمونیستها با اعلام اینکه یلتسین با عدم مشورت با پارلمان و شورای فدراسیون و رهبران ایالت ها در ارتباط با کاندیدای خود برای نخست وزیری، عملاً در جهت ایجاد تقابل عمل کرده است و نیز امکان مخالفت با نخست وزیری کیرینکو را مطرح کردند. سلژنوف، سخنگوی دوما و عضو حزب کمونیست، ضمن اشاره به گرایش های دیکتاتور مآبانه یلتسین گفت که دوما به رئیس جمهور بهانه برای انحلال پارلمان را نخواهد داد. تصمیم یلتسین به ملاقات با سخنگویان دوما و شورای فدراسیون و قبول شرکت در میز گردی با حضور نمایندگان اپوزیسیون در روز ۱۸ فروردین و تعویق رای گیری در مورد نخست وزیری کیرینکو را، باید نتیجه مقاومت دوما و حزب کمونیست فدراسیون روسیه دانست. یلتسین در ملاقات خود با رهبران اپوزیسیون در روز ۱۸ فروردین وعده داد که اگر دوما به نخست وزیری کیرینکو رای مثبت بدهد او برای یک سال هیچ یک از مصوبات دوما را وتو نخواهد کرد.

## موفقیت چشمگیر کمونیست ها در اوکراین

کمونیستهای اوکراین پیروزی چشمگیر خود را در کسب بیش از ۱۰۰ کرسی پارلمان در انتخابات این کشور، جشن گرفتند. شمارش نهایی آراء مشخص کرد که باوجود همه تمهیدات دولت دست راستی پزیدنت لئوید کوچمن، ۲۶ درصد رای دهندگان به حزب کمونیست رای داده اند. پترو سیمونکو، رهبر حزب کمونیست اوکراین، گفت: این پیروزی انتخاباتی تمامی چپ محسوب می شود، زیرا متحدان حزب در بلوک انتخاباتی سوسیالیست-دهقانی نیز بیش از ۲۰ کرسی بدست آوردند. نتیجه این انتخابات به معنای این است که جبهه چپ به رهبری حزب کمونیست، آرا خود را افزایش داده است و ۱۹۰ کرسی از ۴۵۰ کرسی پارلمان را در اختیار دارد. با وجود رای مردم که نمایش دهنده مخالفت با سیاست های اقتصادی-اجتماعی چند ساله اخیر است کوچمان مصر است که به برنامه های «اصلاحات بازار» در کشور فقر زده ادامه دهد. دولت او در سال های اخیر حتی قادر به پرداخت حقوق کارگران و کارمندان خود نبوده است و بیش از دو میلیارد دلار بابت حقوق های عقب مانده به آن ها بدهکار است.

برنامه انتخاباتی حزب کمونیست مخالفت با دادن زمین به بخش خصوصی و نیز روابط نزدیک دولت اوکراین با غرب بود. کوچمان امیدوار است که حمایت احزاب دست راستی را که بیش از ۴ درصد رای آورده اند و در پارلمان نماینده دارند، نظیر حزب حاکم «حزب دموکراتیک مردمی» و «حزب سبزها» که طرفدار دولت است جلب کند. او همچنین امیدوار است که نمایندگان «مستقل» که عمدتاً از تجار و سرمایه داران هستند، از او حمایت کنند. رفیق سیمونکو خواستار اصلاح قانون اساسی شد و گفت باید حزبی که بیشترین تعداد نماینده را در پارلمان دارد به تشکیل دولت موظف شود و قدرت رییس جمهوری محدود گردد.

## منشور جهانی حقوق کارگری!

سازمان جهانی کار، در تلاش برای بهبود استانداردهای کارگری، در روز ۴ فروردین ماه بیانیه ای در ارتباط با حقوق پایه ای اشتغال و «نظام پیگیری مناسب»، منتشر کرد. بیانیه، نیاز سازمان جهانی کار را به یک «وظیفه مشخص» برای تضمین و «تأمین و ارتقاء حقوق اساسی کارگری در سطح بین المللی» مطرح می کند. سازمان جهانی کار خواستار این است که کشور های عضو بپذیرند که «خواست توسعه اقتصادی و ترقی اجتماعی نمی تواند بطور جدی و پایدار بر آورده شود» اگر حقوق پایه ای و حق تشکل و توافق های جمعی به رسمیت شناخته نشود، از هر گونه کار اجباری و بیگاری جلوگیری نشود، نتوان از کار کودکان ممانعت به عمل آورد و در عین حال در مسیر ارتقاء مساوات جنسی که تبعیض نسبت به زنان کارگر را از بین می برد، حرکت کرد. سازمان جهانی کار پیشنهاد می کند که پایبندی به این حقوق، از طریق انجام یک «نظارت واقع بینانه سالانه» تک تک کشور ها، به منظور کنترل اینکه آیا آن ها به تعهداتشان عمل کرده اند، و انتشار نتیجه گیری های اصلی در ارتباط با گرایش ها و پیشرفت های عمده، انجام گیرد. بیش بینی می شود که رهبری سازمان جهانی کار از سوی برخی از کشورهای در حال توسعه که این پیشنهاد ها را فشاری بر اقتصاد خود تلقی می کنند، مورد انتقاد قرار گیرد. مطمئناً بحث بر سر تصویب و تنفیذ این بیانیه در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار که در خردادماه منعقد خواهد شد، به تقابل کشورهای دیکتاتوری و آن دسته از کشورها که اتحادیه های کارگری حضوری موثر در آن ها دارند، دامن خواهد زد.

## پیام های همبستگی احزاب کارگری و کمونیستی به چهارمین کنگره حزب

### ● پیام حزب کمونیست ارمنستان

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان، صمیمانه ترین تبریکات و بهترین آرزوهای خود را به مناسبت برگزاری چهارمین کنگره حزب شما به همه کمونیست های ایرانی تقدیم می کند. ما با احترامی عمیق و همبستگی استوار مبارزه دلیرانه حزب توده ایران را طی سالیان دراز علیه رژیم های ارتجاعی و استبدادی، و در راه استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در میهن شما دنبال کرده و می کنیم. ما اطمینان داریم که اینک که جنبش کارگری و کمونیستی جهان در آستانه قرن بیست و یکم قرار دارد با درک هرچه عمیق تر از مارکسیسم - لنینیسم و آزمون صد ساله مبارزه انقلابی از بحران سال های اخیر بیرون می آید و هرچه قاطع تر به مناسبات سرمایه داری تحمیل شده برخورد می کند و حل مسایل را دیگر بار در احیای راه حل های سوسیالیستی جستجو می کند. کنگره شما در چنین اوضاع مساعدی برگزار می شود. ما همبستگی کامل خود را با مبارزه شما اعلام می کنیم و بزرگ ترین موفقیت ها را برای کنگره تان و تحقق هرچه سریع تر آرمان های تان را که مسلماً در جهت دفاع قاطع از منافع خلق زحمتکش ایران است، آرزو می کنیم.

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان آمادگی کامل خود را برای استقرار همکاری های ثمر بخش میان دو حزب ما بر پایه سنن مارکسیسم - لنینیسم و انتر ناسیونالیسم و نفع خلق های ارمنستان و ایران در مبارزه مشترکشان با توطئه های امپریالیسم و نو استعمار، به خاطر صلحی استوار و امنیت در منطقه فوق العاده حساس ما، و برای پیروزی آرمان های صلح و پیشرفت و سوسیالیسم در سراسر جهان اعلام می کند. امیدواریم که بزودی دیداری میان نمایندگان احزاب ما برای بررسی اشکال و مضمون مشخص همکاری ها فراهم آید.

با دروذهای رفیقانه - سرگگی بادالیان  
دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان

### ● حزب کمونیست سودان

رفقای گرامی،

اجازه دهید تا به نمایندگی از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان، گرم ترین دروذهای رفیقانه و بهترین آرزوها را برای برگزاری موفقیت آمیز چهارمین کنگره حزب تان، به شما تقدیم کنیم. ما همبستگی خود را با مبارزه مردم ایران برای دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی اعلام می کنیم. در عین حال ما حمایت خود را از مبارزه، تلاش ها و تأثیر حزب توده ایران در راه بنا کردن یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری که سلاح موثری برای مردم در راه دستیابی به خواست هایشان است، اعلام می کنیم. لطفاً اسناد و قطعنامه های کنگره را فوراً برای ما ارسال کنید.

با گرم ترین دروذهای رفیقانه  
کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان

### ● جبهه آزادی بخش مردم آنگولا (MPLA)

رفقای عزیز،

اجازه دهید به نمایندگی از سوی کمیته مرکزی جبهه آزادی بخش مردم آنگولا و اعضاء و هواداران جبهه، گرم ترین دروذهای خود را به حزب شما و چهارمین کنگره حزب تان تقدیم کنیم. ما امیدواریم که چهارمین کنگره حزب شما بتواند با موفقیت به اهداف خود دست یابد و راه را برای پیروزی های بیشتر مبارزه شما در راه استقرار آزادی و عدالت اجتماعی و ایرانی دموکراتیک باز کند. ما همچنین امیدواریم که روابط میان حزب شما و ما در آینده هرچه بیشتر گسترش یابد. اجازه دهید تا بار دیگر برای شما پیروزی و موفقیت آرزو کنیم.

با گرم ترین دروذهای رفیقانه  
دبیرخانه کمیته مرکزی جبهه آزادی بخش مردم آنگولا

## استراق سمع رسمی می شود

سازمان های مدافع حقوق مدنی در اروپا در روز ۲۵ اسفند فاش کردند که «پیمان همیاری متقابل در امور جنایی» که در شرف توافق سریع و بی سر و صدا از سوی دول اروپایی است، بخشی از یک پروژه استراق سمع رسمی در سطح بین المللی و طراحی شده از سوی سازمان اف-بی-آی (FBI) است. بر اساس گزارش سازمان «دیده بان دولت» (statewatch) که نقش خود را اقصای تضيیقات دولتی می داند، طرح مشترک «پیمان همیاری...» اتحادیه اروپا و اف-بی-آی متوجه یک سیستم جهانی برای ارتباطات راه دور است. بر اساس گزارش های منتشر شده قطعنامه اولیه «پیمان همیاری...» در ژانویه ۱۹۹۵ به تصویب شورای وزیران اتحادیه اروپا رسیده بود اما هیچ گزارشی در ارتباط با آن منتشر نشده است. سازمان مدافع حقوق مدنی «عدالت» گزارشی داده است «گروهی مرکب از ۲۰ کشور اتحادیه اروپا که توسط اف-بی-آی هماهنگ می شوند در جهت هماهنگ کردن قوانین ملی برای از بین بردن هر گونه سدی در مقابل دستیابی سازمانهای مسئول اعاده «نظم و قانون» به کنترل ارتباطات راه دور، کوشش کرده اند». تلاش در جهت رسمی کردن جاسوسی دولتی که مطمئناً و عمدتاً ضد سازمانهای مترقی و نیروهای کارگری و رادیکال به کار گرفته خواهد شد، ادامه و گسترش اقدام هایی است که از همان اولین سالهای جنگ سرد بطور پنهانی در جریان بوده است. بر اساس گزارشی که سال گذشته تحت نام «ارزیابی تکنولوژی های مورد استفاده برای کنترل سیاسی» از سوی پارلمان اروپا منتشر شد، در سال ۱۹۴۸ بر پایه همکاری که طی جنگ دوم جهانی در ارتباط با کنترل و کشف ارتباطات رادیویی جاری بود توافقی میان آمریکا و انگلستان برای ادامه کنترل متقابل ارتباطات راه دور به عمل آمد. هدف اولیه این توافق اتحادشوری و نیروهای حامی آن بود. گلن فورد، عضو پارلمان اروپا، در بهمن ماه گذشته فاش کرد که این همکاری ها گسترش پیدا کرده و در طول سال های گذشته به یک سیستم جهانی کنترل ارتباطات که علاوه بر انگلیس و ایالات متحده شامل کانادا، زلاند نو و استرالیا است، بدل شده است. این سیستم از پیشرفته ترین تکنولوژی های کامپیوتری استفاده می کند و قابلیت کنترل تمامی مکالمات تلفنی، از طریق فاکس و پست الکترونیکی e-mail را دارد. گلن فورد بر پایه اطلاعات دقیقی که از دانه این جاسوسی رسمی علیه شهروندان دارد فاش کرده است که هر کدام از پنج کشور یک فرهنگ لغات از لغت ها و اصطلاحات مورد نظر خود را به عنوان مرجع در کامپیوترهای مربوطه ضبط کرده اند. سیستم کنترل تمامی ارتباطات راه دور در سطح جهانی را کنترل کرده، و به محض اینکه به یکی از لغات و یا اصطلاحات موجود در فرهنگ لغت برخورد کند، کامپیوتر ویژه ای را برای ضبط مکالمه به کار می اندازد. شواهد غیر قابل انکاری در دست است که دول کشورهای سرمایه داری در دهه اخیر با استفاده گسترده از تکنولوژی جهت مبارزه با نیروهای سیاسی ترقی خواه به اعمال فشار و تضيیقات علیه این نیروها مشغول بوده اند.

این هم نمونه دیگری از «دموکراسی» سرمایه داری برای آنان که بی وقفه در مدح نهادینه بودن دموکراسی در مدینه فاضله خود بقیه می درانند.

به مناسبت اول ماه مه از هلند ۱۰۰ مارک

۱۰۰ مارک

کمک های مالی

رسیده

سهیلا

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

**NAMEH MARDOM-NO:529**

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

14 April 1998

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک